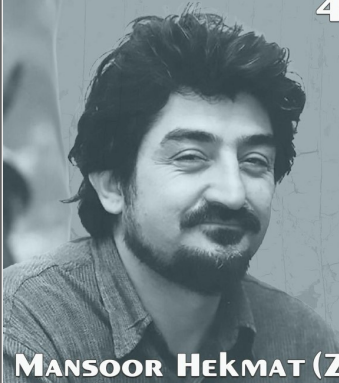


برنامه های هفته حکمت

صفحه ۴

MANSOOR HEKMAT WEEK 2025

4 - 11 JUNE



در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

MANSOOR HEKMAT (ZHOOBIN RAZANI) 1951-2002

صفحه ۴

جهانیان در حال قیام، اسرائیل زیر منگنه

گسترش اعتصابات کارگری

صفحه ۹

(کارگران راه گسترش همبستگی خود را باز میکنند)

صفحه ۵

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۵ حزب کمونیست کارگری عراق

اتحاد و یکپارچگی رانندگان کامیون و کامیونداران

"بزرگترین دستاورد اعتصاب"

مظفر محمدی

کامیونداران و رانندگان کامیون با صدور بیانیه ای پایان اعتصاب را اعلام کردند. در بیانیه آمده است که "اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران پس از ۱۱ روز اعتصاب سراسری، ایستادگی، همدلی و فریاد عدالتخواهی در بیش از ۱۶۳ شهر کشور، به نقطه‌ای رسید که می توان گفت؛ صدای ما، نه فقط در دفترهای بسته مسئولان، بلکه در قلب جامعه و در رسانه‌های داخلی و جهانی طنین انداز شده است. ما با اتحاد خود، نشان دادیم که کامیونداران، فقط چرخ اقتصاد را نمی‌چرخانند؛ بلکه از ستون داران کرامت، شرافت، و غیرت این سرزمین‌اند."

صفحه ۸

جنبش جهانی علیه فاشیسم صهیونیستی، آغاز عصر مداخله

مستقیم مردم

آسو فتوحی

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
هفتگی ۵۶۵

تألیف: مجید مینوری

۵ ژوئن ۲۰۲۵ - ۱۵ خرداد ۱۴۰۴

فرمان عمل مستقیم مردمی برای پایان آشویتس غزه

ثریا شهابی

برای اثبات برتری نژاد آنها بر نژاد "پست"، اردوگاههای مرگ نازی، که گفته میشود در آغاز توسط زندانیان سادیستی اداره می شد، آشویتس، برپا شد! عکس های هزاران هزار کودک هراسان با لباسهای راه راه پشت نرده ها، گوشه هایی از مرگبار بودن قفس هایی که برای "پاک سازی" نژادی و عقیدتی ساخته شد و تا سقوط هیتلر نه تنها جهانیان که بخش اعظم دستگاه حکومتی هیتلر از آن بی اطلاع بود، برای همیشه زخم کوره های آدم سوزی را بر پیکر بشریت، سرباز برج گذاشت!

برای "عبرت" و جلوگیری از تکرار آن فاجعه، صدها فیلم و هزاران کتاب و دهها و دهها کتابخانه و موزه در سراسر جهان، برپا شد. دهها و دهها معاهده نامه بین المللی و قانون و مقررات تصویب و دهها نهاد و موسسه بین المللی "ممانعت کننده" ایجاد شد!

کسی تصور نمی کرد که بنام قربانیان بی گناه آن آشویتس، هشتاد و چند سال بعد آشویتس دیگری این بار توسط جنبش نژاد پرست یهودی و هیئت حاکمه آن در اسرائیل، در غزه و در حق دومیلیون انسان بی گناه، این بار اما، با لگدمال کردن همه معاهدات و قوانین و مقررات و نهادهای "ممانعت کننده" و البته در مقابل چشمان باز جهانیان و از همه "آموزنده تر" در حمایت عظیم ترین قدرت های نظامی و اقتصادی جهانی، با "جهنم سازی" از غزه، برپا شود! این بار این کودکان فلسطینی هستند که پشت حصار ها، با لباس های تکه پاره شده، گرسنه و کاسه های خالی غذا بدست، به مرگ و تکه پاره شدن زیر بمبارانها و دفن شدن زیر آوارها و اگر جان سالم در بردند به مرگ از گرسنگی جان دادن، محکوم شده اند.

درد هیتلر و درد ناتنایاهو، درد نازیسم و صهیونیسم، یکی است! ریشه درد فاشیسم نازی با ریشه درد فاشیسم یهودی، یکی است! برای ساختن حمام های خون و چرک و آشویتس هایشان، یهودی یا عرب فلسطینی، نژاد و مذهب بهانه است! این ها بهانه تقسیم قدرت در میدان رقابت جهانی است و امروز این مردم بیگناه غزه و فلسطین اند که فریب به شخصت سال است بهای آن را میپردازند و بهانه و وسیله حفظ



آزادی
برابری
حکومت کارگری

می‌کنند محل سوال قرار گرفته و سازمان ملل هم به شدت از آن انتقاد کرده است. در روزهای اخیر جمعیت عظیمی به سمت مرکز توزیع غذای این شرکت روانه شده و ده‌ها نفر هم با شلیک نیروهای اسرائیل کشته و زخمی شده‌اند.

بی بی سی از "زایمان زیر بمباران و شرایط نوزادان غزه که آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ هستند"، از "انتقاد بریتانیا و فرانسه از اسرائیل به خاطر وخامت اوضاع غزه"، از تصاویر فلسطینی‌هایی که برای دریافت کمک از یک موسسه تازه تأسیس جنجالی پس از شنیدن صدای تیراندازی با دقت به اطراف نگاه می‌کنند"، از "نشست هفتم خرداد شورای امنیت و شنیده شدن گزارش تکان دهنده" از وخامت وضعیت غزه و افزایش خشونت و ویرانی در این باریکه" و "از خانواده‌های گرسنه‌ای گفتند که زیر آتش مداوم حملات هوایی اسرائیل قرار دارند" و تنش در نشست شورای امنیت بین نمایندگان دولت های اروپایی در مقابل آمریکا - اسرائیل و ... گزارش میدهد!

ژوئالیست ها، سیاستمداران، شخصیت های سیاسی و رسانه هایی که دیروز از طرفداران پروپاقرص ماشین کشتار جمعی اسرائیل علیه فلسطینیان بودند، ژوئالیست های سینه چاک داده و حامی دیروز اسرائیل، رفقا و همکاران و شرکا دیروز نانیاهو در هیئت حاکمه اسرائیل، اعتراف میکنند که "این دیگر زیاده روی" است و "نسل کشی" است! این شرایط به هر ناظر بی طرفی میگوید که در جهان چه خبر است!

و گاردین "مژده میدهد" که: "گروه لجستیکی اسرائیلی تحت حمایت ایالات متحده، پس از تعطیلی تأسیسات خود در پی هشدارهای ارتش اسرائیل، امروز آنها را بازگشایی می‌کند و بنیاد بشردوستانه غزه دو مرکز توزیع که برای ارائه کمک‌های بشردوستانه در نظر گرفته شده بود را بازگشایی خواهد کرد."

کیس غزه، نابودی تقریباً کامل یک جامعه انسانی با بیش از دو میلیون انسان و از گرسنگی شکنجه کش کردن کودکان و نوزادان و سالمندان و بیماران و همه کسانی که در محاصره ارتش اسرائیل هستند، وجدان این طرفداران و متحدین سابق این ماشین کشتار را "بیدار" نکرده است. آنچه که موجب تلاش برای فاصله گرفتن از تصویر کریه و ضدانسانی آشویتس و محصول مشترک شان در غزه شده است، خطر مقابله ای است که بالا گرفته است! خطر دخالت عملی و اقدام مستقلانه بشریتی است که از آمریکا تا اروپا و آسیا و آفریقا و خاورمیانه، عزم کرده است که نه فقط با اعتراض و درخواست و مطالبه، که بعلاوه و مهمتر با اقدام عملی و جمعی خود، براین جهنم ساخته دست بشر، براین آشویتس دوم، بر این فاجعه انسانی محصول اقلیتی انگل، پایان بگذارد. آنچه که این طیف را بیدار کرده است، نه "حس بشردوستی" که احساس خطری است که نه از نابودی غزه و مردم فلسطین که از بقا اسرائیل میکنند. اگر شانس عملی تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی در جوار هم را از بین بردند، همراه آن شانس بقا "یک دولت و حکومت یهودی" را اگر برای همیشه نکشته باشند، به حداقل رسانده اند.

این عقب نشینی به بهای جهمی که در غزه ساخته اند، به آنها تحمیل شده است. از این رو است که نیرویی که به میدان آمده است دیگر بیش از این برای آنها و ابراز نگرانی ها و ابراز مخالفت ها و ابراز نارضایتی ها و احکام دادگاههای بین المللی شان، اعتراض ها از "تندروی های احتمالی" برادر کوچک ترشان در اسرائیل، تره خرد نمی کنند. این عقب نشینی ها، این ابراز فاصله ها و این "اعتراف" های ضمنی و علنی به جنایات علیه بشریت و نسل کشی از مردمی بیگناه، تنها و تنها بعنوان ابزار و شرایطی برای تعرض جنبش جهانی که بیست ماه است در میدان اعتراضی است، موضوعیت دارد. این دیگر تنها خاورمیانه و "جهان عرب" نیست که

مقام و موقعیت قدرت "جهان آزاد" شده اند. بهایی که نابودی کامل غزه، زندان روبازی که از سال ۲۰۰۷ دولت اسرائیل بیش از دو میلیون نفر را در آن تحت محاصره زمینی، دریایی و هوایی حبس کرده بود و در بیست ماه گذشته با کشتار قریب ۵۵ هزار نفر و مصدوم کردن بیش از ۱۲۵ هزار و تخریب کامل غزه، به اوج خود رسانده است.

داستان تراژدی های تک تک قربانیان آشویتس اخیر را، بازماندگان و جهانیان حین سوگواری جهانی و اجرای حکم توقف آن برای آیندگانی که آن را غیرقابل باور و غیرقابل هضم میدانند، بازگو خواهند کرد. اما این بار برای عبرت، باید همه حقایقی که کاپیتالیسم جهانی به رهبری آلمان یا آمریکا، اسرائیل یا اروپا ساختند، را گفت و آموخت! برای "بازدارندگی" تاریخ، بشریت این بار چاره ای جز به زیر کشیدن کاپیتالیسم بعنوان تنها نظام اقتصادی حاکم بر جهان، ندارد!

این روزها اما و پس از بیست ماه حمایت صریح و بی شرمانه، نه تنها سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیکی که، نظامی و میلیتاریستی ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی، که بدون حمایت آنها این حمام خون نه آغاز می شد و نه به جایی که امروز رسیده می رسید، ورق برگشته است. همان دستهایی که زیربغل نتانیاهو را محکم گرفتند و عصای دست او شدند و این "عزیزکرده" شان را بزرگ و بزرگتر کردند، تلاش میکنند که در ادعا از آشویتس عریانی که در غزه برپا شده است، فاصله بگیرند.

بی بی سی، رسانه ای که در حمایت از جنایات اسرائیل در حق مردم فلسطین و سانسور جنبش جهانی اعتراضی نسبت به این نسل کشی، مقام مهمی دارد، این روزها حال و هوایش تغییر کرده است و می نویسد:

"رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌گوید "غزه به جایی بدتر از جهنم بدل شده است و کرامت انسانی از فلسطینی‌ها سلب شده ". و بلافاصله "اسرائیل هشدار داده است که جاده‌های منتهی به مراکز توزیع کمک در غزه را "منطقه نبرد" قلمداد می‌کند و بنیاد کمک رسانی غزه که یک شبکه کمک رسانی بحث‌برانگیز تحت حمایت آمریکا و اسرائیل است، اعلام کرده این مراکز امروز بسته هستند!"

"بحث برانگیز" خواندن خصلت این شبکه توسط بی بی سی، ترم شکی است برای توصیف سازمانی که اسرائیل و آمریکا برای "کمک" ساخته اند! "غذا در ادا قبول بردگی" و قبول خطر مرگ برای دریافت آن، یعنی کاری که کسی با هیچ حیوان خانگی نمی کند، توسط این رسانه "ماهر" عنوان "بحث برانگیز" میگیرد و فریاد اعتراضی مردم علیه آن عنوان "افراط گرایی"! منابع خودشان اعلام کرده اند که طی روزهای "کمک رسانی" و "تدارکات" این نهاد، دهها نفر، به این امید که غذایی به کاسه های خالی خود و فرزندان شان ریخته شود، قربانی تیراندازی های ارتش اسرائیل شدند! این افسیلونی است از واقعیت عظیم "لگدمال شدن کرامت انسانی" که "رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ" به آن اشاره میکند!

بی بی سی می نویسد (خط تاکید ها از من است): "در تیراندازی نیروهای اسرائیل در نزدیکی یک مرکز توزیع غذا در غزه ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند. ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای گفت پس از مشاهده "چند مظنون" که از مسیر منحرف شده بودند به آنها شلیک کرده است. توزیع غذا در غزه به شرکتی به نام "بنیاد بشردوستانه غزه" سپرده شده است. نحوه عملکرد این شرکت که آمریکا و اسرائیل از آن پشتیبانی

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

March to Gaza

15 June



Walking together, opening
roads to life for Gaza.

In a global march
Activists from 32 countries are
planning to reach Gaza by
marching on foot.

**طبقه کارگر جهانی میتواند نقش محوری در فشار
به اسرائیل و حامیان و شرکای آن و بر دول
مرتجع منطقه داشته باشد. ورود همه جانبه این
طبقه به چنین کارزار انسانی، نه تنها اسرائیل را
بیش از هر زمانی منزوی و به این توحش عریان
پایان میدهد، بلکه دست دولتهای مرتجع منطقه
از معامله بر روی مصائب مردم فلسطین را قطع
خواهد کرد.**

**ورود سازمان یافته طبقه کارگر به این جنبش و
دفاع متحد آن از مردم فلسطین، دریچه ای برای
ورود متحد این طبقه علیه فقر و محرومیت، علیه
استثمار و بی حقوقی و علیه جنگ و جنایت و
میلیتاریسم به وسعت جهان است.**

یک طرف جنگ است! جنبش جهانی دفاع از مردم غزه و مردم
فلسطین، از آمریکا تا اروپا و آسیا، از خاورمیانه تا خاور دور، متحد و
هم پیمان، برای اقدام عملی، در حال سازمان دادن گردان هایی برای
اقدام و عمل مستقیم و دخالت در این جنگ است.

لشکر جهانی عمل مستقیم مردمی

میگویند که گردان عمل مستقیم مردمی، برای اجرای قوانین بین المللی
و انسانی خود با اقدام عملی خود، براه افتاده است. گردانی که یک سر
آن در خاورمیانه و ابتکار جنبش کارگری است که هزاران انسان را
فراخوانده است تا از ۱۲ ژوئن، از قاهره حرکت را شروع و در ۱۵
ژوئن با راهپیمایی به مرز غزه و گذرگاه "رفح" ادامه دهند، و سر
دیگر آن در "کشتی کمک رسانی مدلین" است که اول ژوئن با
سرنشینی ۱۲ فعال از فرانسه، آلمان، برزیل، ترکیه، اسپانیا، هند،
سوئد، و هلند برای شکستن محاصره غذایی غزه، بطرف غزه حرکت
کرده است! سر دیگر آن اقدام بزرگترین فدراسیون اتحادیه های
کارگری نفت برزیل (فدراسیون ملی کارگران نفت و فدراسیون واحد
کارگران نفت) است که ۲۸ ماه مه، رسماً از رئیس جمهور و دولت این
کشور خواستند که صادرات نفت به اسرائیل و همه قراردادهای انرژی
با شرکتهای اسرائیلی را فوراً متوقف کنند. کارگران برزیل خواهان
اقدامات عملی همچون کارگران معادن کلمبیا و تعلیق صادرات ذغال به
اسرائیل و اقدام مشابه کارگران بسیاری اسکله ها در بسیاری از کشورها
و توقف بارگیری محموله های اسرائیل و ارسال اسلحه و... به این
کشور، هستند. سردیگر آن، کمپین های اعتراضی متنوع و گسترده و
سازمان یافته مستقلی است در کشورهای مختلف جریان دارد. از
حرکات فردی میلپتان و مسلحانه در آمریکا در خشم از فاجعه غزه، تا
تظاهرات ها تا حرکات اعتراض آمیز فردی و جمعی برای تحت فشار
قرار دادن دولت های حامی اسرائیل و پایان دادن به وعده و حرف و
"ایراز تاسف" های بی مایه، و برای قطع فوری حمایت از اسرائیل و
تامین فوری کمک رسانی به مردم غزه، تا هنگامی که خریداران و
مشتریان کالاهای مورد نیاز زندگی محصولات ساخت اسرائیل را
"تحریم" میکنند و "دور میاندازند"، مستقل از ابعاد و شکل سمبولیک
بودن یا نبودن آن، میگوید که "در بر همان پاشنه همیشگی نمی گردد!"
این جا است که صف جنایتکاران و سازماندهندگان آشوب غزه، به
عقب نشینی وادار شده اند.

اگر فاجعه دیگری برپا نکنند و در مقابل عرض اندام بشریت برای
اقدام، جنگ و فاجعه و تخریب دیگری جای دیگری سازمان ندهند،
بشریت "نوری که در انتهای تونل تاریک" غزه تابیده است را به
سرچشمه خلاصی از این توحش بی انتها تبدیل خواهد کرد. رقابت چین
و روسیه، تروها و بهره برداری های امثال خامنه ای ها و اردوغان
ها و کل ارتجاع اسلامی، که از فاجعه فلسطین هریک در راستای منافع
خود ارتزاق و بهره برداری میکنند، عناصری برای تخفیف درد فاجعه
فلسطین هرگز نه بودند و نه هستند! این ها با پیشروی گردان جهانی و
مستقل مردمی برای پایان دادن به فاجعه فلسطین، بیش از پیش به بیرون
پرتاب میشوند.

موضوع نه مذهبی و قومی و اسلامی یا یهودی، "اسلام فوبیا" یا "انتمی
سمیتیزم"، که انسانی و جهانی است و با پرچم عدالت اقتصادی و
اجتماعی، سلامت محیط زیست، ضدیت با جنگ و استثمار و استثمار،
گره خورده است. این بستری است که بر آن یک صف روشن بین،
انترناسیونال چپ و کمونیستی، میتواند شکل بگیرد!

آینده روشن ایران، به پیشروی این گردان و عملاً عقب زدن دست
درازی های ارتجاع اسلامی در کیس فلسطین و به بیرون پرتاب شدن
آن، گره خورده است. سیری که راه پیشروی جامعه ایران، برای
خلاصی از ارتجاع حاکم بر جامعه را هم، باز میکند. باید به آن پیوست،
از عراق تا ایران و ترکیه و مصر، از اروپا و آمریکا تا آسیا و آفریقا!

۵ ژوئن ۲۰۲۵

۱۵ خرداد ۱۴۰۴

جهانیان در حال قیام، اسرائیل زیر منگنه

فشارها علیه نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل، افزایش یافته است، مردم متمدن جهان و طبقه کارگر دیگر تحمل نمیکند. جنبش عظیم و جهانی علیه تلاش برای نابودی مردم فلسطین و اشغال سرزمینهای آنها، وارد دوره ای جدید شده است، دوره ای که اقدام عملی برای بایکوت کامل اسرائیل و فشار به دولتهای غربی حامی آنها، امروز دیگر نه تنها اسرائیل را در سراسر جهان منزوی تر از هر زمان کرده است که بعلاوه برای متحدین و حامیان آن، هزینه بردار شده است. دوره ای که این جنبش پس از بیست ماه اعتراض و فشار به دولت فاشیست اسرائیل و متحدین آن، برای کمک به مردم فلسطین و پایان دادن به این توحش و علیه ماشین کشتار جمعی اسرائیل مستقیماً وارد عمل میشود.

کمپین جهانی "مارش به غزه" که قرار است از ۱۲ ژوئن از قاهره شروع شود و در ۱۵ ژوئن با راهپیمایی به مرز غزه و گذرگاه "رفح" ادامه پیدا کند، به ابتکار سازمانهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق انسانی و نهادهای مدافع فلسطین، تا کنون دهها کشور در سراسر جهان را فرا گرفته است. هزاران انسان برای شرکت در این مارش نام نویسی کرده اند و صدها نهاد انساندوست و حامی فلسطین به آن پیوسته اند. این مارش علیه نسل کشی و برای پایان کشتار جمعی مردم فلسطین، خواهان پایان فوری محاصره غزه، ارسال فوری کمکهای بشردوستانه، پایان اشغال و باز سازی غزه زیر نظر مراجع بین المللی و... است. سازماندهندگان این کمپین طی نامه ای به سفارتهای اسرائیل و مصر تاکید کرده اند که بیش از این تحمل نمیکند، منتظر اقدام هیچ دولتی و سازمان ملل و نهادهای تابعه نمیشوند، خود دست به کار میشوند و "مردم در حال قیام اند".

"اتلاف ناوگان آزادی" متشکل از سازمانها و شخصیتهای مدافع مردم فلسطین، علیرغم حمله اسرائیل به کشتی حامل مواد غذایی و دارویی شان در ماه مه، برای بار دوم خود را برای کمک رسانی به مردم فلسطین و شکستن محاصره مردم نوار غزه از دریا آماده میکنند و اعلام کرده اند "زمانیکه حکومتها کوتاهی میکنند ما مستقیماً اقدام میکنیم".!

بزرگترین فدراسیون اتحادیه های کارگری نفت برزیل (فدراسیون ملی کارگران نفت و فدراسیون واحد کارگران نفت) روز چهارشنبه ۲۸ ماه مه، در نامه ای مشترک از رئیس جمهور و دولت این کشور درخواست کرده اند صادرات نفت به اسرائیل و همه قراردادهای انرژی با شرکتهای اسرائیلی فوری متوقف شود. آنها در نامه خود تاکید کرده اند: "برزیل باید فزاینده تر از لفاظی های عمومی عمل کند و تحریم انرژی علیه اسرائیل را مطابق با تعهدات قانونی بین المللی خود برای جلوگیری از "نکبت" اجرا کند". کارگران برزیل با اشاره به اقدامات عملی کارگران معادن کلمبیا و تعلیق صادرات ذغال به اسرائیل، اقدام کارگران بسیاری اسکله ها در بسیاری از کشورها و توقف بارگیری محموله های اسرائیل و ارسال اسلحه و... به این کشور، خواهان، اقدامات عملی شدند.

در اسرائیل پس از بیست ماه بالاخره جنبش پایان دادن به این نسل کشی عرض اندام کرد و کاروان معترضین به این نسل کشی با تصاویر کودکان به خون کشیده شده فلسطینی به سوی نوار غزه به راه افتاد.

علیرغم بیست ماه تلاش مشترک اسرائیل و دول غربی در جنایی کردن دفاع از مردم فلسطین، بیست ماه تلاش برای ممنوع کردن اعتراض به جنایت اسرائیل و دول غربی علیه بشریت، بیست ماه سانسور و تحریف حقایق این توحش لجام گسیخته، امروز دیگر هیچ برنامه هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و سیاسی نیست که مدافعین مردم فلسطین آنرا تسخیر نکرده باشند. فاشیستهای اسرائیل و همدستان شان در سرتاسر جهان در محاصره لشکر بشریت متمدن، انساندوست و آزادیخواه اند! بشریتی که نه فقط مهر عدم مشروعیت به کل ساختار سیاسی جهان زده که مصمم است آنرا زیرورو کند.

کارگران! مردم آزادیخواه ایران!

دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل با اتکا به کمکهای گسترده مالی، نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و تبلیغاتی دولتهای مترجع غربی، برای نابودی همه جانبه مردم فلسطین تمام مرزها را شکسته است. یکسال و ۸ ماه است دو میلیون انسان در غزه زیر بمباران فرشی، با بمبهای فسفوری از زمین و هوا و با محاصره اقتصادی، کشتار میشوند. جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین امروز بیش از هر زمانی در سراسر جهان برای پایان این توحش فعال و قدرتمند

است. جنبشی مستقل از تمام قدرتهای ارتجاعی، از ایران و ترکیه تا عربستان و مصر و اردن و... که از مصائب مردم فلسطین برای اهداف ارتجاعی خود سوءاستفاده میکنند و ریاکارانه سنگ دفاع از فلسطین را به سینه میزنند.

دفاع از مردم فلسطین، دفاع از حق زندگی و نه گفتن به کشتار و جنایت و بربریت هیچ مرزی نمیشناسد. مردم فلسطین، کودکان فلسطینی، مردمی که امروز گرسنه و آواره پس از ۲۰ ماه قتل و جنایت، چشم امید به حمایت مردم متمدن جهان و از جمله شما مردم آزادیخواه دوخته اند. دفاع از مردم فلسطین در مقابل دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل، دفاع از عدالت و برابری و انسانیت، دفاع از حق زندگی است، امری که شما مردم آزادیخواه سالها است برای آن با جمهوری اسلامی در جنگید. پرچم دروغین جمهوری اسلامی و دولتهای مترجع دنیای عرب، سو استفاده آنها از مصائب مردم فلسطین، نباید دفاع ما از این مردم را تحت تاثیر قرار دهد. با دفاع همه جانبه از این مردم و به عنوان حامیان واقعی آنها، باید دست این جنایتکاران را رو کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) شما مردم آزادیخواه، شما کارگران، زنان و نسل جوان متمدن و انسان دوست را برای حمایت از مردم فلسطین و علیه نسل کشی اسرائیل فرا میخواند. ما همه فعالین و رهبران کارگری، همه فعالین حقوق زن، فعالین و شخصیتهای جنبش آزادیخواه در ایران را به حمایت از مردم فلسطین فرامیخوانیم. به هر شکل میتوانید جنبش جهانی در دفاع از مردم فلسطین را همراهی کنید و گردانی از این لشکر جهانی و میلیونی علیه فاشیسم، توحش و جنایت شوید.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

اول ژوئن ۲۰۲۵

برنامه های هفته حکمت

MANSOOR HEKMAT WEEK 2025

4 - 11 JUNE

کتن - آلمان

در بزرگداشت زندگی بر بار

منصور حکمت

زمان: ۷ ژوئن

ساعت: ۱۸:۳۰

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

آدرس:

Alter Feuerwache Melchiorstr. 3
50670 Köln - Deutschland

سخنرانان - موضوعات

عروان کریم: اهمیت سیاست در تحلیل منصور حکمت

محمد راستی: تفاوت های ما

تلفن تماس: ۰۱۷۶۶۲۹۷۴۶۸

MANSOOR HEKMAT (ZHOOBIN RAZANI) 1951-2002

MANSOOR HEKMAT WEEK 2025

4 - 11 JUNE

مراسم بزرگداشت زندگی بر بار منصور حکمت

در لندن

امان کفا: منصور حکمت، کمونیسم - بازخوانی کاپیتال

محسن کریم: منصور حکمت، ناسیونالیسم و مسئله کرد

آرمندوسی: منصور حکمت، رابطه کمونیسم کارگری و چپ

زمان: ساعت ۳ بعد از ظهر، روز شنبه ۷ ژوئن ۲۰۲۵

مکان: Mary's Community Center
Islington Upper Street, N1 2TX

MANSOOR HEKMAT (ZHOOBIN RAZANI) 1951-2002



پلنوم ۴۵ حزب کمونیست کارگری عراق با موفقیت برگزار شد

پلنوم کمیته مرکزی حزب با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و هیئتی از حزب کمونیست کارگری کردستان متشکل از رفقا عثمان حاجی مارف، رفیق فواد صادق (معاون رئیس دفتر سیاسی) و رفیق نغده عثمان (عضو کمیته مرکزی)، در تاریخ ۲۳ مه ۲۰۲۵ برگزار شد.

پلنوم با بخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به احترام جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم، و قربانیان مردم غزه و فلسطین توسط اسرائیل، آغاز شد.

سپس، رفیق سمیر عادل، دبیر کمیته مرکزی حزب، با سخنانی جلسه را افتتاح کرد. دبیر کمیته مرکزی به وضعیت سیاسی ویژه‌ای که جهان و منطقه درگیر آن است، اشاره نمود. وضعیتی که تحت تأثیر رقابت‌های امپریالیستی برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ جهانی و همراه با جنگ‌ها و درگیری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است. از یک سو، منطقه شاهد جنگ‌های خونین و درگیری‌های شدید است و رژیم صهیونیستی به جنایات‌های خود علیه مردم فلسطین ادامه می‌دهد، و از سوی دیگر، طبقه کارگر جهانی بار جنگ‌های اقتصادی بین ایالات متحده و دیگر قدرت‌های امپریالیستی را به دوش می‌کشد.

رفیق سمیر عادل تأکید کرد که مردم جهان، به‌ویژه طبقه کارگر، اولین کسانی هستند که هزینه این شرایط را می‌پردازند. او همچنین بر ضرورت آمادگی حزب برای مقابله با این چالش‌ها، چه از نظر سیاسی و چه مبارزاتی، و تقویت جایگاه خود در عرصه سیاسی و اجتماعی تأکید کرد.

سپس، جلسه با تصویب رسمیت جلسه از نظر تعداد حاضرین و حصول نصاب قانونی آغاز به کار کرد.

دستورات جلسه به شرح زیر بود:

گزارش فعالیت حزب در فاصله دو پلنوم (۴۴ و ۴۵)

تحولات وضعیت سیاسی در عراق و اولویت‌های سیاسی و مبارزاتی حزب کمونیست کارگری

انتخابات و سیاست حزب در قبال آن

جنبش ناسیونالیست کرد و مسئله "کرد" در خاورمیانه و راحل حزب کمونیست کارگری

تصمیمات

انتخابات دبیر کمیته مرکزی، معاون او و دفتر سیاسی

در بخش گزارش، رفیق سمیر عادل به خطوط کلی فعالیت‌های حزب در فاصله بین دو پلنوم پرداخت و دیدگاهی درباره وضعیت حزب و جایگاه آن در جامعه ارائه داد. او به نقاط قوت و ضعف حزب اشاره کرد و بر ضرورت و امکان تبدیل حزب به یک نیروی سیاسی جدی و مؤثر در تحولات و مبارزات سیاسی جامعه تأکید نمود. همچنین بر لزوم ارتقای وظایف مبارزاتی حزب تأکید شد. حاضرین در جلسه به بررسی جنبه‌های مختلف فعالیت حزب، اثر بخشی آن و راه‌های تقویت حزب در سطوح سیاسی، اجتماعی، سازمانی و رسانه‌ای پرداختند.

در بخش "تحولات وضعیت سیاسی و اولویت‌های سیاسی و مبارزاتی حزب"، جلسه به بحث درباره سندی سیاسی پرداخت که از پیش در اختیار کمیته مرکزی قرار گرفته بود. در این بخش، اوضاع سیاسی عراق مورد بررسی قرار گرفت و تأکید شد که این اوضاع به‌طور مستقیم تحت تأثیر درگیری‌های جهانی و منطقه‌ای در منطقه است. همچنین در پرتو این تحولات به وضعیت نیروها و جریان‌های سیاسی در عراق و تغییرات آن‌ها پرداخته شد. بر این اساس، جلسه موقعیت حزب را در این شرایط بررسی کرد و بر اولویت‌های سیاسی آن در مرحله کنونی، از جمله حضور سیاسی رهبری و حزب در جامعه، تقویت مبارزات اقتصادی کارگران، حمایت از جنبش‌های اعتراضی، مبارزه علیه فاشیسم صهیونیستی، دفاع از آرمان فلسطین، تقویت ساختارهای

سازمانی کارگران، دفاع از آزادی‌های سیاسی و سایر وظایف تأکید شد. اعضای جلسه در تقویت جهت‌گیری‌های سیاسی مندرج در این سند مشارکت کردند و این سند تصویب شد و امید است به‌زودی منتشر شود.

در بخش "انتخابات و سیاست حزب"، حاضرین به موضوع انتخابات پیش‌رو، در اکثر امسال، در عراق پرداختند و بحثی مفصل و همه‌جانبه درباره این موضوع انجام شد. تصمیم‌گیری در مورد این مسئله به دفتر سیاسی ارجاع داده شد تا با حزب کمونیست کارگری کردستان درباره آن بحث و هماهنگی‌های لازم انجام شود و موضع حزب به‌زودی اعلام گردد.

در بخش "جنبش ناسیونالیست کرد و "مسئله کرد" و راحل حزب"، جلسه به بررسی سندی پرداخت که به‌صورت مشترک توسط هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان تهیه شده بود. این مسئله از تمام جنبه‌ها مورد بحث قرار گرفت، از جمله به تغییرات ناشی از درگیری‌های قدرت‌های امپریالیستی و منطقه‌ای از یک سو، و احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه، که هر یک می‌کوشند این مسئله را به نفع منافع خود مصادره کنند، منافی که هیچ ارتباطی با توده‌های کردزبان منطقه ندارد، پراخته شد. همچنین راحل پیشنهادی دو حزب درباره این مسئله مورد بحث قرار گرفت. بیانیه پیشنهادی در این رابطه توسط پلنوم تصویب شد.

در بخش "تصمیمات"، کلیه اسناد و مدارک ارائه‌شده به پلنوم تصویب شد.

در بخش "انتخابات"، جلسه بار دیگر به رفقا سمیر عادل و فارس محمود برای ادامه مسئولیت‌هایشان رأی اعتماد داد. همچنین اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند که عبارتند از: صباحی البدری، علی احمد، خلیل ابراهیم، نادیه محمود، همام الهمام و ثائر سلیم.

در پایان جلسه، رفیق سمیر عادل سخنانی ایراد کرد و بر اهمیت بحث‌های سیاسی انجام‌شده و مسیرهای ترسیم‌شده توسط جلسه تأکید کرد. او بر ضرورت بسیج تمام نیروها برای اجرای این سیاست‌ها و تبدیل حزب به یک نیروی سیاسی و اجتماعی مؤثر و دارای نفوذ واقعی در عراق تأکید نمود.

پلنوم چهل و پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

۲۴ مه ۲۰۲۵

جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین امروز بیش از هر زمانی در سراسر جهان برای پایان این توحش فعال و قدرتمند است. جنبشی است مستقل از تمام قدرتهای ارتجاعی، از ایران و ترکیه تا عربستان و مصر و اردن و ... که از مصائب مردم فلسطین برای اهداف ارتجاعی خود سوءاستفاده میکنند و ریاکارانه سنگ دفاع از فلسطین را به سینه میزنند.

برای آزادی و برابری به حزب کمونیست پیوندید

جنبش جهانی علیه فاشیسم صهیونیستی

آغاز عصر مداخله مستقیم مردم

آسوتقوی

تقریباً دو سال از آغاز تهاجم گسترده دولت اسرائیل به نوار غزه در اکتبر ۲۰۲۳، از جنایت مستند در برابر چشمان جهان، میگذرد. دو سال بشریت شاهد یکی از فجیعترین و بیرحمانهترین دورههای جنایت جمعی در عصر معاصر است. شاهد کشتار بیش از ۶۰ هزار کشته غیرنظامی (بیشتر زنان و کودکان)، نابودی سیستماتیک زیرساختهای حیاتی، محاصره کامل غذایی و آبی، تخریب بیمارستانها، مدارس و ... است. این فاجعه چیزی فراتر از یک جنایت جنگی است، "این یک نسلکشی تمامعیار"، یک پاکسازی قومی با پشتیبانی و با اتکا به تکنولوژی مدرن قدرت‌های امپریالیستی است.

نه تنها دولت‌های غربی چه به‌طور مستقیم از طریق تسلیحات، اطلاعات و پوشش سیاسی و چه با سکوت مجرمانه و همدستی خود با "قصابان غزه" این نسلکشی را ممکن کردند، بلکه با جنایی کردن حمایت از فلسطین در کشورهای خود، سانسور سازمان‌یافته رسانه‌ای و سرکوب اعتراضات مردمی، نشان دادند که آشکارا با فاشیسم صهیونیستی در یک جبهه مشترک قرار دارند. اسناد متعددی نشان می‌دهد که آمریکا، آلمان، بریتانیا و فرانسه میلیارد‌ها دلار کمک نظامی و تکنولوژیک به اسرائیل ارسال کرده‌اند.

دولت آمریکا در ۲۰۲۴ بیش از ۱۴ میلیارد دلار بودجه اضافی نظامی برای اسرائیل تصویب کرد.

دولت آلمان همچنان به ارسال قطعات تانک، موشک و تجهیزات نظامی ادامه داد، اگرچه در سال ۲۰۲۵ به دنبال فشار مردم و افکار عمومی، برخی صادرات تسلیحاتی را ریاکارانه "موقتاً معلق" اعلام کرد.

دولت بریتانیا با صدور میلیون‌ها دلار تسلیحات جنگی منجمده جنگنده‌های اف ۳۵، با در اختیار قرار دادن هواپیماهای جاسوسی خود نقش تعیین کننده‌ای در کشتار مردم فلسطین داشته‌اند.

در فرانسه و بریتانیا نیز همزمان با گسترش اعتراضات مردمی، نهادهای اطلاعاتی و پلیس با سرکوب تجمعات در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها، فضای آزادی بیان را محدود کردند.

در فرانسه، دانشجویان همبسته با غزه از جمله در دانشگاه سوربن بازداشت و با تهدید انضباطی مواجه شدند.

در آمریکا دفاع از مردم فلسطین رسماً جرم محسوب میشود و مدافعین مردم فلسطین دستگیر و زندانی و با خطر دپورت روبرو میشوند.

حتی زمانی که مردم در خیابان‌های برلین، نیویورک، لندن، رم، آمستردام، و ده‌ها شهر دیگر در کف خیابان، در بنادر، در اتحادیه‌ها، در دانشگاه‌ها فریاد "آتش‌بس"، "آزادی فلسطین" و "توقف نسلکشی" سر دادند و با شعارهایی که ساده و شفاف بیان کردند: "از مالیات ما برای نسلکشی استفاده نکنید"، "کودک‌کشی نه حق دفاع است، نه امنیت"، "جنایت علیه بشریت، شریک نمی‌پذیرد" و صدها شعار و مطالبه انسانی دیگر اما شرکای این جنایت جواب این صدای بشردوستی را با گاز اشک‌آور، بازداشت‌های گسترده، تعطیلی دانشگاه‌ها مانند جنبش‌های ضد اشغالگری در دانشگاه‌های کلمبیا، UCLA و

SOAS پاسخ دادند.

از نیمه دوم سال ۲۰۲۴ و به‌ویژه در سال ۲۰۲۵، شاهد تغییرات معنا داری در مواضع برخی دولت‌های غربی بوده‌ایم. این تغییرات نه از سر دگرگونی اخلاقی، بلکه تحت فشار شدید اعتراضات مردم به جنایات و نسل‌کشی و فشار افکار عمومی، و بحران مشروعیت سیاسی در داخل این کشورها رخ داده است. فقط به عنوان چند نمونه می‌توانم به موارد زیر اشاره کنم:

در اسپانیا، نخست‌وزیر پدرو سانچز در آوریل ۲۰۲۵ رسماً اعلام کرد که سیاست‌های اسرائیل در غزه "نقض جدی حقوق بین‌الملل" است و حمایت تسلیحاتی اسپانیا متوقف می‌شود.

در بلژیک، پارلمان در ژانویه ۲۰۲۵ طرحی تصویب کرد که خواستار توقف کامل صادرات نظامی به اسرائیل شد.

در ایرلند، وزیر خارجه این کشور در جلسه اتحادیه اروپا رسماً استفاده اسرائیل از قحطی به عنوان سلاح جنگی را محکوم کرد و خواستار تحریم تسلیحاتی شد.

در کانادا، دولت جاستین ترودو که تا پیش از آن در کنار آمریکا ایستاده بود، از مارس ۲۰۲۵ ارسال برخی مهمات خاص به اسرائیل را معلق اعلام کرد.

در نروژ و آفریقای جنوبی، دولت‌ها اقدامات حقوقی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری را حمایت و تقویت کردند.

حتی در داخل ایالات متحده، با وجود ادامه حمایت کاخ سفید از اسرائیل، برخی سناتورها و نمایندگان، از جمله برنی سندرز، الکساندریا اوکاسیو-کورتز، و راشده طلیب، از اتهام نسل‌کشی سخن گفتند و خواستار توقف کمک‌های نظامی شدند.

فرانسه و انگلیس آخرین دولتهایی هستند که لنگان لنگان به این "تغییر سیاست" پیوستند و دست به تهدیداتی علیه منفورترین عناصر دولت اسرائیل زدند.

هرچند به درست بشریت متمدن در دنیا برای این موضع‌گیری‌ها و "چرخش"‌های دروغین دولتها، پشیزی ارزش قائل نیست و به این واقعیت که این تغییر لحن و پزهای بیمایه هم از سر استیصال و فشار مردم و مهر عدم مشروعیت قانون و حکومت‌های شان شکل گرفته است، واقف‌اند، اما آنرا نشانه‌ای از ترک برداشتن اجماع سنتی در حاکمیت دول غربی و آمریکا در دفاع از اسرائیل نمی‌بینند.

امروز جنبش مردمی جهانی علیه جنایت در فلسطین به سطح بی‌سابقه‌ای از آگاهی، سازمان‌یافتگی و رادیکالیسم رسیده است. اعتصاب‌های کارگری در بنادر ایتالیا، یونان، آفریقای جنوبی، ایالات متحده، نیوزیلند و فرانسه برای جلوگیری از بارگیری سلاح‌های اسرائیلی، نشانه روشنی از ورود بخش‌های مهمی از طبقه کارگر جهانی به صحنه مبارزه ضد فاشیستی است.

از نیویورک تا لندن، از آمستردام تا کیپ‌تاون، از برلین تا ملبورن، میلیون‌ها نفر به خیابان آمدند.

در ایتالیا، کارگران بندر جنوا از بارگیری سلاح برای اسرائیل خودداری کردند.

در آفریقای جنوبی، اتحادیه‌های کارگری در کمپینی خواستار قطع کامل روابط با اسرائیل شدند.

قدرت طبقه کارگر در شکل و تخریب اوست!

حرکت این جنبش افشا کرد. حلقه اتصال جنبش فلسطین با مبارزات ضد سرمایه‌داری جهانی و قدرت‌های جنایتکار و جنگ افروز را برقرار ساخت، و در اوج آن باید نشان داد که تنها در چارچوب انترناسیونالیسم کارگری، آزادی واقعی مردم فلسطین و همه مردم تحت ستم‌های دنیا ممکن و میسر است.

باید سوت آغاز جهان دیگر را در هر کشور و شهر و خیابان و کوچه به صدا درآورد. وظیفه اصلی کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تلاش در گره زدن این جنبش جهانی علیه فاشیسم صهیونیستی به جنبش بازسازی جهانی مبتنی بر برابری، عدالت، و سوسیالیسم است. مشروعیت نظم جهانی سرمایه‌داری در برابر دیدگان مردم فروپاشیده است. پرچم دروغین دفاع از مردم فلسطین و حل منازعه خونین فلسطین از دست دولتهای شیاد دنیا افتاده است. تنها راه‌هایی از جنایت و نسل‌کشی و تنها راه پایان‌دادن به تسلط دروغ و فریب، قدرت مستقل و سازمان‌یافته مردم جهان است.

۵ ژوئن ۲۰۲۵

علیرغم بیست ماه تلاش مشترک اسرائیل و دول غربی در جنایی کردن دفاع از مردم فلسطین، بیست ماه تلاش برای ممنوع کردن اعتراض به جنایت اسرائیل و دول غربی علیه بشریت، بیست ماه سانسور و تحریف حقایق این توحش لجام گسیخته، امروز دیگر هیچ برنامه هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و سیاسی نیست که مدافعین مردم فلسطین آنرا تسخیر نکرده باشند. فاشیستهای اسرائیل و همدستان شان در سرتاسر جهان در محاصره لشکر بشریت متمدن، انسان‌دوست و آزادیخواه اند! بشریتی که نه فقط مهر عدم مشروعیت به کل ساختار سیاسی جهان زده که مصمم است آنرا زیرورو کند.

در نیویورک، خدمه بندر اوکلند در مارس ۲۰۲۵ از تخلیه محموله‌های اسرائیلی خودداری کردند.

در نروژ بزرگترین اتحادیه کارگری (ال او) خواهان قطع همه روابط اقتصادی با اسرائیل شده است.

کارگران ماری در خلیج "فوس" فرانسه مانع ارسال اسلحه به اسرائیل شده‌اند.

حتی در خود اسرائیل، صدای تردید و اعتراض نسبت به سیاست پاکسازی قومیتی از جانب روشنفکران، سربازان فراری، مادران قربانیان جنگ و منتقدان سیاست آپارتاید بلند شده است.

این موارد، اگرچه به‌تنهایی سرنوشت جنگ را تعیین نمی‌کنند، اما نشان‌دهنده گذار این جنبش از همبستگی نمادین به مقاومت عملی و اعمال فشار عملی است. نمایش قدرت جنبشی است که دولت‌ها را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. دولت‌هایی که تا دیروز با روایت‌های "حق دفاع اسرائیل" خود را توجیه می‌کردند، امروز ناچارند لحن خود را تغییر دهند یا با بحران مشروعیت داخلی مواجه شوند. جنبشی که در حال رشد است، دیگر فقط درباره فلسطین نیست؛ بلکه درباره سلب مشروعیت و قدرت عمل ساختارهای قدرت، معیارهای دوگانه و فروپاشی اخلاقی سیاست‌ها و نیرنگ‌های بین‌الملل است.

از همین‌روست که برخی دولت‌ها، بی‌آنکه سیاست واقعی‌شان تغییر کند، به لفاظی‌های حقوق بشری روی آورده‌اند، نه از سر همدلی، بلکه به قصد نجات چهره‌ی خود نزد مردم جهان و افکار عمومی. اکنون می‌توان با قاطعیت گفت که دیگر این پروژه، نه یک درگیری منطقه‌ای، بلکه یک آزمون جهانی برای اثبات عدم مشروعیت دولت‌ها و کارکرد واقعی دموکراسی بورژوازی است.

دولت‌های غربی دیگر حتی در ظاهر نمی‌توانند روایت دروغین "حقوق بشر" و "ارزش‌های دموکراتیک" را حفظ کنند. چهره واقعی این نظم جهانی بر پایه سلطه، نژادپرستی ساختاری، بهره‌کشی و خشونت افشا شده است. شاید بتوان گفت که جهان دارد چنان‌که لیبیرالیسم بورژوازی را به گورستان تاریخ مشایعت می‌کند. امروز دیگر مردم جهان به دیپلماسی دروغین باور ندارند. دیگر دوره چشم امید دوختن به قطعه‌نامه‌های شورای امنیت، به لفاظی‌های تهی با تیتز پررنگ "نگرانی عمیق"، به سازوکارهای پوسیده حقوق بین‌الملل که تنها در خدمت اشغالگران و ارتجاع است، و طی این مدت هزاران بار دولت اسرائیل از آنها عدول کرده و شکسته شده و با هیچ عکس‌العملی از طرف دولت غربی یا مهد دموکراسی روبرو نشده است، گذشته است. جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین، با علم و خودآگاهی به شکاف عمیق بین مردم و دولت‌هایشان، پروژه‌ی "استرداد سیاست به دستان خود مردم" را آغاز کرده است.

این ورود به فاز نوین مبارزه مستقل جهانی علیه فاشیسم خواهد بود، مردم دیگر منتظر نخواهند ماند. آنان با صدای بلند اعلام می‌کنند: فاشیسم، چه در غزه، چه در خارطوم، چه در کیف، برلین، لندن، واشینگتن، صنعا و هر کجای دیگر باید از جهان ریشه‌کن شود، نه با بازی کثیف دیپلماسی ساختار جهانی بورژوازی، بلکه با فشار مستقیم مردم، اعتصاب، تحریم، تسخیر خیابان‌ها و خلع ید از قدرت‌های امپریالیستی.

این خیزش را باید به‌مثابه آغاز گامی جنید در مبارزه جهانی علیه سرمایه‌داری، امپریالیسم و فاشیسم شناخت، ما در حال مشاهده بین‌المللی‌شدن واقعی وجدان بشری در عصر بحران‌های جهانی هستیم. این نه فقط جنبشی در همبستگی با مردم فلسطین است، بلکه جنبشی برای بازسازی خودآگاهی طبقه کارگر جهانی، برای بازپس‌گیری تاریخ و سرنوشت انسان از جنگال فاشیسم، جنگ طلبی و ارتجاع است.

این جنبش، طبقه کارگر جهانی، مردم معترض، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها با صدای رسا به جهانیان فراخوان می‌دهد که در این لحظه تاریخی، سکوت جایز نیست و وظیفه تاریخی ما، تقویت این جنبش است. باید مدافعین دروغین مردم فلسطین و نیروهای ارتجاعی با پرچمهای "ضد امپریالیستی" را در مسیر

اتحاد و یکپارچگی رانندگان کامیون و کامیون داران

در بیانیه، عقب‌راندن مسئولین حمل و نقل جاده‌ای و اعتراف به حقوق قانونی و قدرت رانندگان کامیون و لغو تنها بخشی از اجرای قوانین ظالمانه علیه آنها را از دستاوردهای اعتصاب نامیده و گفته شده که این دستاوردها هنوز خواسته اصلی را برآورده نکرده است و کامیونداران و رانندگان بدنبال تحقق خواسته‌ها و در راس همه آنها آزاد شدن رانندگان دستگیر شده هستند.

اتحادیه، در بیانیه‌های قبلی چکیده خواسته‌هایشان را به این شرح بیان کرده بودند: "سال‌هاست با صبور، چرخ‌های اقتصاد کشور را به دوش کشیده‌ایم، اما در مقابل، جز بی‌توجهی، تحقیر، گرانی، و وعده‌های توخالی چیزی نصیب‌مان نشده است. سوخت نیست، اما انتظار حرکت هست. قطعه نیست، اما باید با پذیرش بازی با جانمان در جاده‌ها حرکت کنیم. هزینه گزاف بیمه را می‌گیرند ولی خدماتی در کار نیست. کرایه بار هست، اما یا پرداخت نمی‌شود یا با تأخیر و بی‌عدالتی باید آن را وصول کنیم. شرکت‌ها و واسطه‌ها خون ما را می‌مکند و کسی پاسخگو نیست."

در بیانیه پایان اعتصاب، اتحادیه از حمایت‌های تاریخی از سوی فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران، کارگران نفت، فعالان حقوق کودک، زنان و مردم آزاده ایران، قدردانی کرده است.

علاوه بر دستاوردهایی که در بیانیه ذکر شده است اما روشن است که اتحاد و یکپارچگی رانندگان کامیون و کامیونداران، بزرگترین دستاورد اعتصاب بود. اعتراضات و اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی در ایران قابل مقایسه با هیچ کشور منطقه و حتی جهان نیست. سال قبل یعنی ۱۴۰۳ بیش از ۱۱۰۰ اعتراض کارگری در ۳۰ شهر کشور ثبت شده که بیشترین آنها به پرستاران، بازنشستگان، کارگران صنایع نفت و گاز و معلمان مربوط است. حوادثی همچون فاجعه مرگبار معدن زغال‌سنگ طیس که جان حداقل ۵۱ معدنچی را گرفت و سوختن صدها کارگر و راننده کامیون در انفجار بندر عباس بر عمق بحران‌های کارگری در ایران افزوده است. پاره‌ای از مسئولین جمهوری اسلامی اعتراف کرده اند که ناوگان حمل و نقل کشور به دلیل عدم توجه در دهه‌های اخیر، نبود نوسازی و همچنین فقدان حمایت جدی از قشر زحمتکش رانندگان، در حال فروپاشی است.

از سوی دیگر، بازداشت فعالان صنفی همچنان به عنوان چالشی جدی برای حقوق کارگران مطرح است.

مزد کارگر ایرانی با وجود افزایش ۴۵ درصدی، ماهانه کمی بیشتر از ده میلیون و به ۲۰۰ دلار در ماه هم نمی‌رسد! دستمزدی که با تورم و هزینه‌های واقعی زندگی فاصله عمیقی دارد. چشم انداز گرانی، قیمت نان که خوراک بخور و نمیر زحمتکشان و تهیدستان است، به وخامت زندگی مردم محروم اضافه خواهد کرد. ناوایان در اردیبهشت امسال، همزمان با قطعی گسترده‌ی برق در کشور، فریاد اعتراض در خیابان‌ها سردادند، خمیرهای خراب‌شده را به درب اداره‌های برق کوبیدند یا بر صورت‌هایشان مالیدند، و وادار به بستن مغازه‌هایشان شدند. با افزایش قیمت نان دورنمای کارگران ناوایی‌ها هم تاریک است.

گرانی، تورم، فقر و فشار اقتصادی شرایطی است که کل جامعه با آن روبرو است. یک درد مشترک و خواست زندگی بهتر است. تا کنون جمهوری اسلامی تمایلی به پاسخ به فلاکت جامعه نداشته است.

اولین سوالی که کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران باید به آن جواب بدهند این است که با وجود اعتصابات و اعتراضات بسیار گسترده که با هیچ کشور دیگری شباهت ندارد و با وجود لشکر عظیم طبقه کارگر با ۲۰ میلیون شاغل، دورنمای جنبش کارگری و اعتراضات اجتماعی چگونه است؟ موانع بر سر راه این اعتراضات چیست؟ مسیر پیشروی و پیروزی کدام است و ما به کجا می‌رویم؟

با نگاهی به موقعیت طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه می‌بینیم مشکل یکی دوتا نیست. مشکلات و دردهای انباشته شده است که همه دست به دست هم داده اند تا کمر این طبقه را خم کنند.

اولین و مهم ترینش قانون است. قانون کاری که از همه حقوق اولیه و اساسی طبقه کارگر دفاع کند. این وجود ندارد. یا اگر چیزی به نام قانون کار هست،

در حقیقت توجیه کننده استعمار و بیحقوقی و تبعیضی است که در یک جا جمع شده و اسمش را گذاشته اند قانون کار. اگر بخواهیم قانون کار جمهوری اسلامی را که بورژوازی حاکم ایران برای طبقه کارگر نوشته اند تعریف کنیم، این است: "کار ارزان و سرکوب سیستماتیک اعتصابات و اعتراضات کارگری."

این در حالی است که هر چه از داده‌ها و نعمات جامعه هست آغشته به خون و عرق طبقه کارگر است. غذایی که می‌خوریم، لباسی که می‌پوشیم، ماشین‌های که سوار می‌شویم، حتی اشغال‌های که شکم سیران مفتخوردور میریزند را کارگران جمع می‌کنند. چهاردیواری که توش نشستیم میشود گفت در لایلای خشت هایش عرق کارگر نشسته. این تصویر جامعه‌ای است که تمام نعماتش دسترنج طبقه کارگر است اما خودش از آن بی‌بهره است.

طبقه کارگر هنوز درد و رنج‌های پایان‌ناپذیری دارد. کارگران دسته‌دسته از داربست‌های نا امن ساختمان پایین می‌افتند، می‌میرند یا فلج می‌شوند، زیر آوار معادن نا امن دفن می‌شوند، در انفجار انبارهای بنادر می‌سوزند و ذغال می‌شوند. در کانال‌های فلزی پروژه‌های پتروشیمی‌ها در آفتاب داغ تابستان و سرمای زمستان بعنوان مسکن زندگی می‌کنند، سر سفره‌های خالی می‌نشینند و شاهد نگاه‌های نگران فرزندان‌شان هستند. پشت داربست‌های فرش‌بافی در زیر زمین‌های بدون آفتاب کمرشان می‌شکند، در آفتاب داغ تابستان و یخ‌بندان زمستان با کوله‌بارهای سنگین کوه‌ها را بالا و پایین می‌روند اگر زیر آوار برف دفن نشوند با گلوله پاسبانان رژیم زخمی و کشته می‌شوند.

این و بسیار بیشتر از این، تصویر دردناک زندگی بخش عظیم انسان‌هایی است که کارگر نامیده می‌شوند. این تصویر جامعه‌ای است که به طبقات دارا و ندار، سرمایه‌دار و کارگر تقسیم شده است. جامعه‌ای که قانون زندگی انسان‌های کارکن و زحمتکش را حاکمان طبقه سرمایه‌دار می‌نویسند. جامعه‌ای که وارونه است. اقلیتی مفتخور آن بالا نشسته و می‌خورند و می‌چرند و می‌زدند و اکثریتی پایین می‌سوزند و می‌سازند اما از محصول کار خود بی‌بهره‌اند.

دلیل تمام دردهای طبقه کارگر و زحمتکشان، این اکثریت عظیم در تقسیم‌بندی ناعادلانه، نابرابر، تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز جامعه طبقاتی است. جامعه‌ای تقسیم شده به دو طبقه اصلی کارگر و سرمایه‌دار. این سنگ بنای آگاهی طبقاتی طبقه کارگر است. بدون شناخت این واقعیت تلخ، کارگر خود را انسان تنها و یا تیکه تیکه شده به این و آن صنف و بخش کارگر می‌بیند. خود را یک طبقه با منفعت مشترک و درد مشترک نمی‌بیند. در نتیجه اتحاد و تشکل و مبارزه سراسری و همبستگی و همراهی سراسری اگر هست بسیار ضعیف است.

در پاسخ به این که ما به کجا می‌رویم، می‌گویم ما باید برویم به سوی پایان دادن به این شرایط دردناک کار و زندگی و تغییر موقعیت تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز کنونی طبقه کارگر. به عروج طبقه کارگر به مثابه یک طبقه واحد، متشکل و سراسری. موقعیت کنونی طبقه کارگر و تلاش نیم قرن او در جمهوری اسلامی نمی‌تواند دهه‌های دیگر ادامه یابد. کارگر بجنگد و مبارزه کند و حاکمان زر و زور قطره چکانی و وعده و وعید بدون پشتوانه، در شرایط استعمار و بی‌قانونی و بیحقوقی و موقعیت دردناک طبقه کارگر به حیات‌نگین خود ادامه دهد.

طبقه کارگر در مقاطعی چون اعتصاب کارگران نفت، فلز، معادن، پتروشیمی‌ها از جمله هفت تپه و امروز کامیونداران و نیم میلیون راننده کامیون و بازنشستگان کارگر تامین اجتماعی...، ضرباتی بر پیکر نظام نحیف و فاسد و دزد سرمایه‌داری ایران وارد کرده است و اهمیت اتحاد و یکپارچگی را نشان داده است. ضرورت همبستگی و هماهنگی و همراهی متحدانه‌ی مراکز بزرگ صنعتی را با گوشت و پوست و استخوان لمس کرده است. این مبارزات طبقه کارگر را مثابه طبقه اصلی و پشتوانه‌ی جنبش‌های اجتماعی زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان را به جامعه معرفی کرده است.

این درست است که طبقه کارگر در ایران حدود نیم قرن است علیه بردگی مزدی و بیحقوقی محض فریاد می‌زند، کارگران مشت‌هایشان را گره می‌کنند. به این معنی کارگران خود قانون نانوشته‌ای دارند. اعتصاب می‌کنند، تجمع و اعتراض می‌کنند، شکایت می‌کنند، فریاد می‌زنند... اگر این نبود نه از دستمزد بخور و نمیر خبری بود و نه از حرمت و کرامت انسانی کارگر. اگر این مبارزات و تلاش‌ها نبود کارگر برده‌ای بیش نبود. طبقه کارگر در این تلاش‌ها باز هزینه می‌دهند، اخراج می‌شوند، بازداشت می‌شوند، زندان می‌روند و حتی شلاق می‌خورند. چیزی که می‌بینیم و تلخ و دردناک است، این است که تلاش‌های بیوقفه کارگران برای زندگی بهتر، به نسبت کاری که انجام می‌دهند که گرداندن چرخ‌های جامعه



گسترش اعتصابات کارگری (کارگران راه گسترش همبستگی خود را باز میکنند)

اعتصابات کارگری در ایران هر روز ابعاد همه جانبه تری میگیرد. هر روز در گوشه و کنار این مملکت شاهد اعتصابات و تجمعات کارگری هستیم. اعتصابات دهها هزار راننده کامیون در بیش از ۱۵۰ شهر یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری در این مدت بود. رانندگان علیرغم تهدیدها، دستگیری و ارباب دولت و شرکتهای مختلف حمل و نقل، با گستردگی و اتحاد خود و حمایتهای همه جانبه کارگران و اقشار مختلف مردم از آنان، نهایتاً موفقیتهایی بدست آوردند. اعتصابیون هنوز در تلاش برای آزادی همکاران دستگیر شده خود هستند.

بدنبال اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی از روز دوشنبه ۱۲ خرداد در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، قطع بیمه های تکمیلی و ... دست به اعتصاب زده اند. کارگران از فقر و گرانی سرسام آور و ناتوانی در پرداخت هزینه های زندگی به ستوه آمده اند. در جواب به اعتصاب کارگران و تعطیلی کار، شرکتهای پیمانی در کمال پراوری آنها را تهدید به اخراج کرده اند و نیروهای حراست دست به تهدید آنان به "جرم" تجمع کرده اند.

همزمان روز سه شنبه ۱۳ خرداد ۳۰۰ کارگر خدمات شهری در ماهشهر در اعتراض به پرداخت ناقص و با تاخیر دستمزدها، مشکلات پرداخت بیمه آنها، اجرا نشدن افزایش ۴۵ درصدی دستمزدها و عدم پرداخت مزد اضافه کاری، در مقابل شهرداری تجمع و خواهان رسیدگی مسئولین شدند.

بعلاوه در همین روزها ما شاهد اعتراض و تظاهرات کارگران ملوان بوشهر و گناوه به فقر مطلق و توحشی بودیم که دولت و سرمایه داران به آنها تحمیل کرده اند. شرایط کاری این کارگران، کار مفت و ارزان و استثمار بی رحمانه آنها، هر مرزی را پشت سر گذاشته است. صاحبان لنج ها به جای پرداخت دستمزد، به آنها امکان داده اند که در هر سفر دریای در کشورهای حوزه خلیج چند رقم جنس بخرند و در بازار داخلی بفروشند. این درجه از توحش سرمایه داران و دولت حامی آنها، مایه ننگ و شرم عمیق است. کارگران به این شرایط بردگی اعتراض کردند و خواهان حمایت هم طبقه ای های خود از اعتراض شان شدند.

اعتصابات و تجمعات کارگری در ایران هر روز دامنه وسیعتری میگیرد و بخشهای مختلف طبقه کارگر بدلیل فقر، گرانی، مشکلات متعدد اقتصادی، حقوقهای پرداخت نشده، بیکاری، اخراج و تهدید و دستگیری فعالین و سخنپوایی آنها دست به تجمع و اعتصاب و اعتراض میزنند. اعتراض به وضع معیشتی علاوه بر کارگران اقشار محروم جامعه از بازنشستگان، معلم و پرستار تا نانوایی ها، کشاورزان و ... را نیز فرا گرفته است.

جمهوری اسلامی تا کنون تلاش کرده است علاوه بر تهدید و دستگیری و اخراج از کار و گرو گرفتن "انان" شب خانواده فعالین و سخنگویان طبقه کارگر، همزمان با وعده های پوچ، با نفاق افکنی های قومی، مذهبی، کارگر بومی و غیر بومی، صفوف متحد کارگران را در هم بشکند، هزینه اعتصابات را بالا ببرد، کارگران را از فعالین دلسوز و با تجربه خود، محروم کند و نهایتاً آنان را خسته و تسلیم کند.

بر هیچ فعال کارگری و کارگر آگاهی پوشیده نیست که فضای جامعه و پولاریزاسیون در آن، صف بندی های علنی کارگران و سرمایه داران و دولتمندان در مقابل هم، عیان تر از هر زمانی است. طبقه کارگر ایران در جدال برای رفاه و زندگی امن و انسانی، علیه فقر و استثمار و بی حقوقی، تا کنون تلاشهای فراوان و همه جانبه ای کرده است و صفحات زرینی را در تاریخ مبارزاتی خود را ثبت کرده است. در این تاریخ نمونه های درخشانی از همبستگی و حمایت در صفوف خود و جامعه را بدست داده است. اعتصاب رانندگان کامیون در همین مدت، اعتصابات قبلی کارگران فولاد اهواز و هفت تپه، چند دور اعتصاب کارگران پروژه ای نفت، از جمله این موارد اند. در هر جا این اعتصابات فراگیر شده است و حمایت بخشهای دیگر طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به همراه داشته است، حاکمیت و کارفرمایان گردن کج کرده اند، سر کیسه ها را باز کرده اند، خواهش و تمنا کرده و عقب نشسته اند. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون نه تنها حامیان

زیادی را در جامعه ایران با خود همراه کرد که بعلاوه طیف مهمی از اتحادیه های کارگری در جهان را حامی خود کرد.

طبقه کارگر در ایران در جدال سختی با بورژوازی ایران و حکومتش است. فقر و گرانی و دستمزدهای ناچیز و ترس از اخراج و گرسنگی بی تردید، سد جدی در مقابل طبقه کارگر و شرایط سختی را به این طبقه تحمیل کرده است. اما هوشیاری کارگران، به شکست کشاندن ابزار سرکوب و زندان، فضای آزادیخواهانه و اعتراضی جامعه، امید مردم ایران به نقش مهم طبقه کارگر و بارقه های یک همبستگی عملی کارگری که در شاهد آن هستیم، را نباید دست کم گرفت.

است و به نسبت سهمی که از دسترنج خود میگیرند، همخوانی ندارد. کارگران تا امروز درگیر ابتدایی ترین حقوق خود هستند. مثل حداقل دستمزدی که معیشت خانواده شان را تامین کند. حفظ شغل به هر قیمت، اضافه کاری و شرایط نا امن محیط کار، کار بدون قرارداد و کار موقت در شرکت های پروژه ای، مقاومت در برابر اخراج دلخواهی توسط کارفرماها، مبارزه برای گرفتن بموقع مزد کارشان و علیه حقوق های معوقه ... اما تجارب تا کنون نشان داده است که این کافی نیست. دفاع کافی نیست. این کم ترین و بدیهی ترین حق است که انسان حتی بطور غریزی برای زنده ماندن و زندگی بهتر میخواهد. مبارزه برای کندن مویی از خرس سرمایه دار و کارفرما کافی نیست. مبارزه برای گرفتن سهم بیشتر از حاصل دسترنج کارگران است.

مبارزه و اعتراض کارگر به شرایط برده وار زندگی از بدو تولد طبقه کارگر وجود داشته است. اما نمی تواند تا ابد ادامه داشته باشد. هدف نهایی مبارزه طبقاتی برای گرفتن تمام سهم و دسترنج طبقه است. برای گرفتن قدرت حاکمیت از طبقه سرمایه دار است. برای سپردن جامعه به صاحبان واقعی که طبقه کارکن است نه اقلیت مفتخور سرمایه دار و ملک دار و بانک دار و دزد و فاسد و تبهکار.

وقتی که کارگر اولاً خود را یک طبقه ببیند نه افرادی در کنار هم و دوماً خود را طلبکار و صاحب جامعه بعنوان گرداننده ی آن، که بدون کارگر جامعه میایستد و میمیرد، بداند، آنوقت مبارزه طبقاتی جایگاه دیگری پیدا می کند. آنوقت اتحاد و تشکل هر بخش طبقه در جنبش مجمع عمومی منظم میسر و ممکن است و شورای نمایندگان مجامع عمومی، کل طبقه را زیر یک چتر متحد و همبسته جمع می کند. شورای نمایندگان بیست میلیون کارگر شاغل را هیچ نیرویی عهده دارش نیست. هیچ نیروی سرکوبی نمیتواند بر این قدرت غلبه پیدا کند.

مبارزه طبقاتی مثل میدان جنگ است. در جنگ دو طبقه متخاصم سرمایه دار و کارگر، یکی با تمام ابزارهایش مثل دولت، مجلس، دستگاه قضایی، زندان ها، نیروی انتظامی و سپاه و دستگاه وسیع پروپاگاندا ضد کارگر به میدان می آید و در مقابل اعتراض و اعتصاب صف می بندد. اگر در این میدان طبقه کارگر نه با لشکر متحد و همبسته و یکپارچه بلکه با گردان های جدا جدا به این جنگ بیايد در مقابل لشکر تمام و کمال نظام سرمایه، اگر شکست خورد و دستاوردی داشته باشد باز قابل بازپس گیری است. برای پیروزی در این جنگ باید تمام نیرویت را متحد کنی و به میدان بیاوری.

طبقه کارگر قبل از هر کاری به متحد شدن و جمع شدن زیر یک چتر واحد نیاز دارد. و این چتر امروز جنبش مجمع عمومی منظم کارگران و زیربنای شوراهای کارگری است. در این صورت اعتصاب و اعتراض قدرت دیگری خواهد داشت. آن وقت مبارزه طبقاتی و جنگ دو طبقه معنای دیگری دارد. بدون شک در چنین شرایطی و توازن قوایی ابزار سرکوب طبقات حاکم در مقابل ابزار قدرتمند و سراسری جنبش مجمع عمومی منظم و شوراهای کارگری تاب نمی آورد. طبقه کارگر تنها و تنها در چنین موقعیتی است که میتواند بر دشمن طبقاتیش غلبه کند. نه تنها خواستهای فوریش را به کرسی بنشاند بلکه در مقطعی معین کل سهمش از دسترنج خود را صاحب شود و سرمایه داران را از قدرت و ثروت خلع ید کند. این افق و دورنمای جنبش طبقه کارگر است! طبقه ما به این افق نیاز دارد. چنین پیشروی و پیروزی ای بدون کمونیسم و کارگران کمونیست ممکن نیست. کمونیسم یک شعار نیست. کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر برای ساختن دنیای بهتر است. دنیایی فارغ از استثمار و تبعیض و ستم و دنیایی آزاد و برابر و سوسیالیستی!

زنده باد اتحاد و یکپارچگی طبقه کارگر
آزادی، برابری، حکومت کارگری



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

جنبش کارگری می‌رود که سد تفرقه و پراکندگی را بشکند، می‌رود که هر تک اعتصاب کارگری را با موجی از حمایت‌های عملی و علنی به پییده‌ای بزرگ و صفی استوار و قدرتمند تبدیل کند. این تجربه گرانبها و این دستاورد مهم امروز ابزار اصلی ما برای بالا بردن توان و قدرت متحد خود در مقابل بورژوازی ایران و حکومتش است. این راهی در مقابل ما برای شکستن بزرگترین موانع، مانع پراکندگی و فایق آمدن برای جمع کردن نیروی متحد کارگری ما است. حزب حکمتیست (خط رسمی) همه رهبران و فعالین هوشیار و رادیکال در جنبش کارگری را برای تقویت صفوف خود، برای تقویت همبستگی کارگری در جدال طبقه کارگر برای تأمین رفاه و پایان فقر و گرسنگی فرامی‌خواند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ خرداد ۱۴۰۴ - ۵ ژوئن ۲۰۲۵

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی‌های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه‌ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

برنامه یک دنیای بهتر